

# خوابین

## مبارزه محمود و ابراز مهارت مسعود در تیر اندازی علیه کفار این ناحیه

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

غور علاقه کهستانی بین مسیر هیرمند و هریرود نسبت به اکثر نقاط افغانستان هنوز در انزوا باقی مانده و هنوز از نظر جغرافیا و تاریخ نقاط و نکات بسیاری دارد که جزء مجهولات است.

در انزوای غور بیشتر عوامل طبیعی و اقلیمی دخیل است. سه طرف آنرا از شمال و شرق و جنوب مناطق کهسار فراگرفته و در جناح غربی که حاشیه جلگه پهناور نیمروز و سیستان شروع میشود، سرک عمومی بین قندهار و هرات به فاصله نسبتاً زیادی از غور دورتر میگذرد. تنها راه موترروی که از کابل از راه هزاره جات به هرات کشیده شده و فقط در چند ماهی قابل عبور و مرور است، از حاشیه شمالی بیشتر اوقات در موازات قریب هریرود و در بعضی نقاط بفاصله صد کیلومتری جنوب آن رودخانه میگذرد و باز حصص متناهی از خاک های غور نسبتاً منزوی میماند. ناگفته نماند که از 16 سال به این طرف سرکی از جاده عمومی سراسری کابل - هرات از حوالی آهنگران به طرف «تیوره»، مرکز امروزی حکومت اعلی غور، کشیده شده ولی باز هم با انشعاب این سرک نقاط مجهول بسیاری در غور باقی مانده که از نظر تحقیقات اعلام جغرافیائی و تاریخی نیازمندی های زیادی بدان ها داریم.

مجهولات غور از حدود نقاط کوچک، مثل شهرها و قلعه ها گذشته، حتی ناحیه هائی در تاریخ غور داریم که تا حال موقعیت دقیق آن روشن نشده و از آن جمله یکی ناحیه ایست به نام «خوابین» که بیهقی در «تاریخ مسعودی» خود از آن نام میبرد. تذکار او مربوط به سال 408 هجری قمری موقعی است که امیر محمود از «بست» به آنجا حمله میکند و پسرش مسعود در ین وقت بحیث جوان 15 ساله با وی همراه میباشد.

به اساس نگارش استاد ابوالفضل بیهقی: «**خوابین ناحیتیست از غور، پیوسته به بست و زمین داور**». «بست» در نقطه تقاطع رود هیرمند و ارغنداب واقع است و «زمینداور» علاقه ایست وسیع که در سواحل راست مسیر وسطی هیرمند قرار

دارد و یکی از معاونان کوچک آن بنام رود «موسی قلعه» درست از وسط علاقه «زمینداور» میگذرد. علاقه «خوابین» به آن تعریفی که بیهقی نموده باید نقاط کهستانی دو طرفه خاشرود علیا را در برگیرد و با ذکر کلمه «خاش» سوالی بخاطر میگذرد که آیا میان ضبط این کلمه و کلمه «خوابین» که هزار سال پیش در متن معتبری به نظر میخورد ارتباطی نیست؟ کلمه «خوابین» را اگر بدون «واو» بصورت «خابین» بنویسیم، از روی شکل رسم الخط به کلمه «خاش» نزدیک میشود و احتمال پیدا میکند که شاید «خاش رود» اصلاً «خابین رود» بوده باشد.

بهرحال چون علاقه «خوابین» غور نزدیک و حتی پیوست به «زمین داور» و «بست» بود، همین ناحیه کهستانی خاشرود علیا را در بر میگیرد و در حاشیه جنوب غربی خاک های غور قرار داشته زیرا محمود مجال نیافته و نتوانسته بود که در نفس و قلب غور پیش برود.

طبیعی پیش از رسیدن سپاه محمودی مردمان این ناحیه هنوز کافر بودند و با وجود اینکه بت خانه های زمین داور بسیار زود قبل از رسیدن ندای اسلامیت در قندهار و کابل شکسته شد ولی غور علی العموم تا دوره سامانی ها و غزنوی ها به آئین و معتقدات قدیم خود باقی ماند و اجتهاد محمود و مسعود در نشر آئین اسلامی در این نواحی بحیث فصلی است که شرح بیشتری بکار دارد.

بیهقی در باب مردمان ناحیه خوابین مینویسد: "...و آنجا کافران پلیدتر و قویتر بودند و مضایق بسیار و حصارهای قوی داشتند و امیر مسعود را با خویشان برده بود و وی پیش پدر کارهای بزرگ کرد و اثرهای مردانگی فراوان نمود و از پشت اسپ مبارز برد و چون گروهی از ایشان بحصارها التجا کردند مقدمی را از ایشان که بر برخی از قلعه بود و بسیار شوخی میکرد و مسلمانان را بدرو میداشت یک چوبه تیر به حلق وی زد و وی بدان کشته شد و از آن برج بیفتاد و پارانیش را دل بشکست و حصار را بدادند و سبب این همه یک زخم مردانه بود و امیر محمود چون از جنگ فارغ شد و بخیمه باز آمد و این شیربچه را بنان خوردن فرود آورد و بسیار بنواخت..."

از دو سطر اول این پارچه مضمون معلومات خوبی راجع به مردمان خوابین و مشکلات اراضی و مضایق آن ناحیه بدست می آید و معلوم میشود که کافران خوابین در حوالی هزار سال پیش مردمان قوی جثه بودند و قوت بدنی زیادی داشتند. مسکن آنها کهستانی و مضایق بسیار داشت و قلعه ها و حصارهای مستحکم بسیار ساخته بودند و از فراز برج های قلعه ها و از عقب کنگره دیوار قلعه ها بر لشکریان محمودی تیر اندازی میکردند. همین چند سطر بر مهارت امیر مسعود در تیراندازی حتی در آغاز جوانی شهادت میدهد. مسعود در جنگ های «خوابین» که پدر را همراهی میکرد، با عنفوان جوانی نقش مهمی داشت. از معیشت اسپ مبارز میطلبید و با زدن تیر به دهن یکی از پهلوانان کفار که از

بالای برجی لشکریان محمودی را در مزیقه افکنده بود، مراتب مهارت خویش  
را در تیراندازی ثابت ساخت. /11 ثور 1338/